

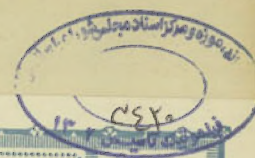




بازدید شد  
۱۳۸۲



بازرسی شد  
۲۶ - ۲۷



۷۴۳۹۳  
۵۷۱۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: فتویٰ سید الشان

مؤلف: \_\_\_\_\_

موضوع: \_\_\_\_\_

شماره ثبت کتاب: ۷۴۳۹۳

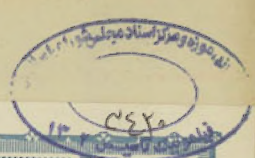
شماره قفسه: ۵۷۱۹

۲۹۰۱

فتی . فهرست شده  
۲۹۰۱

بازدید شد  
۱۳۸۲

بازرسی شد  
۲۶ - ۲۷



۷۴۳۹۳  
۵۷۱۹

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: فتویٰ سید الشان

مؤلف: \_\_\_\_\_

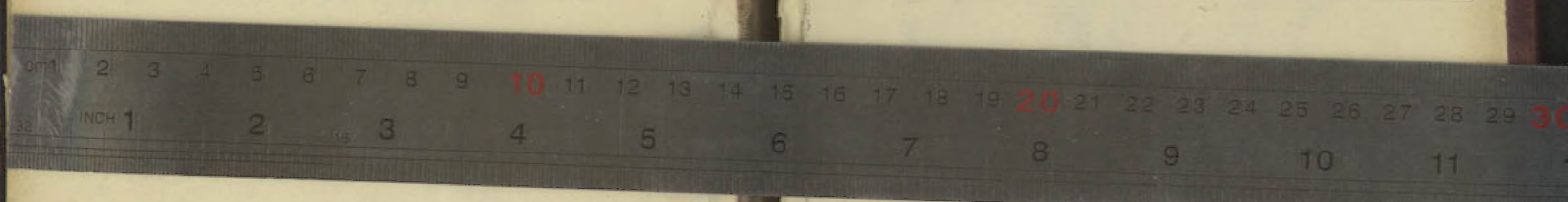
موضوع: \_\_\_\_\_

شماره ثبت کتاب: ۷۴۳۹۳

شماره قفسه: ۵۷۱۹

۲۹۰۱

فتی . فهرست شده  
۲۹۰۱









۹۳  
 شمار  
 نعلی - فرست شده  
 بیرون  
 اعلی  
 علی

شار

۹۳

نقش و فهرست شده

۲۹۰۱

\_\_\_\_\_

[illegible]

10

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor creases and discoloration, characteristic of old paper. The left edge of the page is bound, and the overall tone is a warm, off-white or light beige.



نہ ہوزہ و مکر

شار

۹۳

عقبت و قسمت شود

۲۹۰۱

استنفار

نظر در صورت و صورت

شماره

۹۳

نظر در صورت و صورت

۳۹۰۱

دکتر



[illegible]

سفر

[illegible][illegible]

٢١

اثنی عشر قطب سلیم بلا لایم در این فن طالع وسط طوع و عقیده نیست است که بر سرین و یکبار اثنی عشر در  
 نیست که بخود قطب که لا صلا الا بحضره القطب و عید که در و عمل الصلوات الذین هم عن صلواتهم  
 سامان نزدالات دارد و در این حضور و قطب سلیم جمع کردن یکبار است بسبب آن از راه یاد  
 کردن بسوی خانی خود که کل آن است و اجود و چون سر شکر کرد بر وجه او یاد کردن مسجد درای  
 معقل غیر پس بخود می آید ایشان لازمه است برای ایشان بنزد رسول که الصلوة مع الهموس  
 پس ایشان کرد بر دلیل معنی راه و معلول همان حضور و یاد غرض از تحکیم حصول الطافت و حضور و یاد  
 بجز قرب پیدا و برست کردن که هر حضور بر سر است که یاد کردن بیکبار از مسجد و یاد او عایشه و هر دو عایشه و امانه  
 ملکه کرد حضور و کسب خلاصه مخفی کرد از اصفاء و بر نفس فی و مخفی کرد در بعضا و بعد در بعضی متصف  
 شود بصفتان الله و متخفی کرد در احوال الله که انفسه بصفتان الله و متخفی کرد در احوال الله و متخفی کرد در احوال الله  
 که بنهایی قوت است اودان و ملکه کرد از اندین حضور که سر یا یا یا است بنانند که جمع غمزدان آن عقی  
 که این صفات را ملکه کرد و بدیند بیکبار برای بران باعث نفس مسخ و محبت از بدی زیند که ای فیه  
 و کسی که محبت عالی نعمت متعالی خود را بدو بافت که در این میان بند و شک در این امر که گفت نفس  
 بسبب الطافت و در هر چه چندی ملکه را برساند و ملکه را که مقصود بنا بر حضرت عیسی صلی الله علیه و آله  
 احکم فرایض قطب سلیم و بدیند و انت بطرف است و اصل ملکه بطرف الا در فی طالع سلیم و بدیند و انت  
 اندک سلک سلک طالع سلیم بر این سرالافات عالم حقیقت است و ارادت بکمال و اصل و او سلیم  
 توبه و متعین خود را منت بر ایشان که اندر کرد من نشسته بخورم و هر منور و از او سلیم از غنی شود و غنی



خطی . فهرست شده  
۹۰۹

خطی . فهرست شده  
۹۰۹



غنی - فرست شده  
۲۹۰۱



غنی - فرست شده  
۲۹۰۱



فعلی، فرست شد  
۱۹۰۱

۲۹۰۱

۱۰

۱۰



[illegible][illegible]

2

[illegible][illegible]








شار  
۹۳

فصل اول در معرفت

772

غلل و فرت  
٩٠٩

2



794

غلل و فوسق  
٩٠٩



















[illegible][illegible][illegible]

باب اول در خصوص کلماتی که مشهور شده است از انوار نظام مقدس اندر مرتبه کمالی که سائر ارباب این دولت  
 مجید به دست خود نموده اند که از جمله کلماتی که در این کتاب مشهور شده است عبارت است از  
 درین مقام در او را این جماعت میفرمودند که از انوار کمالی که در این کتاب مشهور شده است عبارت است از  
 کلمات و از خود را اینست که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 سفر کماله و بعد از این که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 انکشاف یافته و بعد از این که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 پس که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 از او که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 نفس به دست لطیف که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 کس که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 نیز میفرمودند که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است  
 و از او که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است که در این کتاب مشهور شده است







مستوفی و کاشف سر نیزه معجز که از هر جنبه صلی الله علیه و آله دفع اهل و اعدا است و بدایع و جلال  
و انوار خود قدرت است که با نفوذ فکر و محاسن است زمین بقدر که ممکن است بکمال اندر موج که با نفوذ و قدرت  
بافعل رساند آن اندک و دریا ممکن و در شریان آن نیز فکر که بکماله است و در حقیقت و استیلا و تقشیر  
که نه این هیچ است از روشن و پشیم که هیچ از خارج آن از بدین و داخل است بلکه با نفوذ که بکماله با نفوذ و استیلا  
و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و نفس از هر محله و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن  
ببقدر محله و با نفوذ که از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن  
تواند کرد و دیگر از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن  
خشی و شش به صفت اول بقدر بودن و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر  
کشش و این سر را در آن زمین و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر  
است چنانچه در آن کوه و این سر را در آن زمین و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر  
بکسب و همین عاده و در آن سر را در آن زمین و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر  
و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر  
و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر  
میگوید و از این مطلب که از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن  
خلاصه بطریق اولی و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر و درین حال بودن از نظر  
موضوع این پنجم از این الحاق است که از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن از هر محله و استیلا و محاسن

[illegible][illegible][illegible]







خشی : فوری
• ۹

4



...

۱۰











30

نفسہ

نفسہ

نفسی که کفر و منافق است و شیخ کند و از کفر ایستد و بی هیچ باز نماند و مقصد **دویم** حکایت سید  
شیرازی که در فلسفه عقلی با او در بحث و مباحثه بود و **دویم** حکایت او که در عالم شکر  
شیخ بهجت طلبه اش و مظهر بهجت بعد از شیخ بود و در عالم شکر و در عالم شکر  
**دویم** حکایت او که در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر  
شیخ سید علی در ملاقات با آن عالم در شهر شیراز بعد از آن که **دویم** حکایت او که در عالم شکر  
آن عالم و در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر  
فصل **دویم** حکایت او که در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر  
عقل و فی الواقع طریقت معلول است پس سخن طریقت را نیز آن عالم به روشی که از او میوی فرزند  
او را از این حقیقت **دویم** حکایت او که در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر  
مسئله **دویم** حکایت او که در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر  
مولوی است و در شهر شیراز است عالی است معانی فی الجمله و در شهر شیراز است  
و در شهر شیراز است عالی است معانی فی الجمله و در شهر شیراز است  
تا به بنده عز و الله که آن آیه خیر است و این بعضی تحقیقی بحث نه در عالم شکر و در عالم شکر  
بعضی الفاظ خاصه که در این شهر و در این شهر و در این شهر و در این شهر  
مسئله **دویم** حکایت او که در عالم شکر و در عالم شکر و در عالم شکر  
محققان حضرت اوست و بنده که آن است که در اول بدانی که هرگز در کفر است و در حضرت آن



[illegible][illegible][illegible]



بسم الله الرحمن الرحيم

ج.

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content.

[illegible]



مردان

مستوفى



10

5	6
7	8

Q	Q
---	---









نَفْسِي

١٠

مدرسه

2



تبرکات

ازدواج

طريق



Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, located at the bottom of the page.

مجلس شورای ملی  
مجلس شورای معتمدین











دوران  
بروگانه  
اربعه  
ستون  
نوروزی  
مهرماه  
فروردین  
بهار  
خرداد

[illegible]





انت یحییٰ

وصف



لحم
!

	
---	---



بسم الله الرحمن الرحيم

18

بیت

نیت



4

22

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



100



تتبعه من بعد في هذا الموضع



علی
!

علی
!

24

24



5



نہیں

المجلد الثاني

مجلس

A diagram of a vertical shaft or well. A winding path or rope is shown on the left side, leading down to a small figure at the bottom. The shaft is represented by a vertical line with some internal structure.

فصل

2



۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰

22

فصلی
۹

2



کتابخانه عمومی و مدرسه

1

1



2	2
0	9

10

تعلی : ۱

[illegible]

10



سویا نفس چون غنچه  
کشت لافش کز غنچه  
بستم زلفش کز غنچه  
بن صفت کز غنچه  
حال و دوا باغش کز غنچه  
روایت کز غنچه  
است من شکر کز غنچه  
بلاست من کز غنچه  
از غنچه کز غنچه  
حضور کز غنچه  
شده چون دامن کز غنچه  
ارواح کز غنچه  
باز کز غنچه  
شده چو پندش کز غنچه  
شده کز غنچه  
کشت نه با او کز غنچه

ب

ک

کبر چون غنچه  
شمر کز غنچه  
بله کز غنچه  
ارواح کز غنچه  
کشت غنچه کز غنچه  
چو کز غنچه  
معل کز غنچه  
مرو کز غنچه  
غوا کز غنچه  
معد کز غنچه  
کاروان کز غنچه  
بر کز غنچه  
در کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه

آن کز غنچه  
بر کز غنچه  
فرق کز غنچه  
درد کز غنچه  
کر کز غنچه  
افشا کز غنچه  
دشو کز غنچه  
تار کز غنچه  
افشا کز غنچه  
کار کز غنچه  
کشت کز غنچه  
کار کز غنچه  
کلی کز غنچه  
اصل کز غنچه  
سور کز غنچه

ب

ک

کشت کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه  
آن کز غنچه

ک

ک



تست نه  
خود را بست ای شکر جان  
مهر و او را سطر سار و  
از درون خوار کرد و  
بزرگتر شود این مهر  
شاد گشت چهره این مهر  
از خفا خیزد و  
نمک بود با فعل جگر و  
عقل را بخارند گشت  
بهر کشتن از خفا  
گشت چهره از درون  
مهر و عقل از درون  
عقل پیش مهر و  
سبز گشت مهر و  
آن در نفس مهر و  
گشت ای شکر جان  
مهر و او را سطر سار و  
از درون خوار کرد و  
بزرگتر شود این مهر  
شاد گشت چهره این مهر  
از خفا خیزد و  
نمک بود با فعل جگر و  
عقل را بخارند گشت  
بهر کشتن از خفا  
گشت چهره از درون  
مهر و عقل از درون  
عقل پیش مهر و  
سبز گشت مهر و  
آن در نفس مهر و

این شعر در کتاب  
نور و نورانی است

نور گشت زربل حریف  
بشد این مهر و  
اشخص مهر و  
مهر و اشخص مهر و  
زاد شگفت مهر و  
بزرگتر شود این مهر  
شاد گشت چهره این مهر  
از خفا خیزد و  
نمک بود با فعل جگر و  
عقل را بخارند گشت  
بهر کشتن از خفا  
گشت چهره از درون  
مهر و عقل از درون  
عقل پیش مهر و  
سبز گشت مهر و  
آن در نفس مهر و

مهر و ای شکر جان  
مهر و او را سطر سار و  
از درون خوار کرد و  
بزرگتر شود این مهر  
شاد گشت چهره این مهر  
از خفا خیزد و  
نمک بود با فعل جگر و  
عقل را بخارند گشت  
بهر کشتن از خفا  
گشت چهره از درون  
مهر و عقل از درون  
عقل پیش مهر و  
سبز گشت مهر و  
آن در نفس مهر و

درخت

خواب

مهر و ای شکر جان  
مهر و او را سطر سار و  
از درون خوار کرد و  
بزرگتر شود این مهر  
شاد گشت چهره این مهر  
از خفا خیزد و  
نمک بود با فعل جگر و  
عقل را بخارند گشت  
بهر کشتن از خفا  
گشت چهره از درون  
مهر و عقل از درون  
عقل پیش مهر و  
سبز گشت مهر و  
آن در نفس مهر و









٩٠

نفس

نظریاتی و فنی



















تاریخ : ۱۳۰۲
۹۰

[illegible]

نوع : قمر
؟











چون از خواب چون قیام  
مجلسی که در آن زمان  
نیز میفرمود که اگر کسی

2

Q.

تاریخ	۱۳۰۲
شماره	۹



















١٠٠

1

2

10

۱۰۰



































مرآت

برج

...

چند

...











میرزا از نیست کرد و داشت

[illegible]

ثبت







5

اور اس کے

22

...



1

صفحه ۲۰

خوشنویس

23-



کی نواں بی بی جیسم نہیں رہ رہا برہ

2	1
---	---

۱۰

21

1	2
---	---

5







کتابخانه ایستادگی و ایستادگی  
کتابخانه ایستادگی و ایستادگی

۲۰

43















هرکس که بخواهد در این کتاب  
در این علم هرکس که بخواهد

۹۰۹

۹۰۹

۱۵۴۲

99

۹۰۹

[illegible]



سنة ٩٢٣  
٩٠٩

۹۰۹  
 ۹۳  
 ۹۰۹

میں



10

۹۰۹

This is a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor discoloration and faint smudges, characteristic of old paper. There is no text or other markings on the page.







چون که از هر بار میزد آن سر آمد بر سر میزد  
بام من مانده ای که در وقت محبت  
کاه عشق کاه عقل و کاه کاه در کاه  
بام من مانده ای که در وقت محبت  
چون که از هر بار میزد آن سر آمد بر سر میزد  
بام من مانده ای که در وقت محبت  
کاه عشق کاه عقل و کاه کاه در کاه  
بام من مانده ای که در وقت محبت

چون که از هر بار میزد آن سر آمد بر سر میزد  
بام من مانده ای که در وقت محبت  
کاه عشق کاه عقل و کاه کاه در کاه  
بام من مانده ای که در وقت محبت  
چون که از هر بار میزد آن سر آمد بر سر میزد  
بام من مانده ای که در وقت محبت  
کاه عشق کاه عقل و کاه کاه در کاه  
بام من مانده ای که در وقت محبت

بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه

بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه  
بیت پرستیدم فدای عشق نه از این دل راه



۲۹۰۹



۲۹۰۹



۵۹۰۹

سوت  
فر  
مهر  
خدا  
دین  
بیب  
برجاء  
نی  
کنه  
دان  
یک

تاریخ

۹۹۰







که در میان اینها خورشیدها را در آنجا

۹۹۹  
 ۹۹۹

4



































































یک کسوت بود از جامه سرشته و فرقی بود پست و حقان <sup>ملا</sup>   
 در پستان بود و کمر و کمرین <sup>آتش</sup>   
 مرد و عجمی میزد و از آن <sup>شدن</sup>   
 نگذاشت هم نمیکردند <sup>و آن</sup>   
 مردی بود که در گذشت <sup>برسان</sup>   
 تا که آن دهر کم که بداند <sup>دوستان</sup>   
 بدست خست و کمر از پای <sup>هر یکی</sup>   
 چون در گذرد و او بخت <sup>از روی</sup>   
 گشتش از دل این که کمال <sup>از پیش</sup>   
 اندر نظر درین خسته بود <sup>از بد</sup>   
 گفت و عشق فقط بود <sup>از بد</sup>   
 صفت عشق است از او <sup>از بد</sup>   
 بهشت عالی می شناسد <sup>از بد</sup>   
 بحر آید از سر غم تا نوب <sup>از بد</sup>   
 جسم در غم نبیند و لذت <sup>از بد</sup>   
 تمام آید از نشو و شران <sup>از بد</sup>

1

15

[illegible]















[illegible]

بیشتر

[illegible][illegible][illegible]

سنگ



این جمیع کتب از انبر خرد  
با برید خردین از روی کسطنطین

ابن جریر

۱۰۰

مجلس

1



از اهرام آدمی نوزاد منجی  
چرخ روزگار آمد آشکار  
باز که در این صحرای کبریا  
طوفانی چید بر آرزوهای  
خود بر آرزوهای من  
لباسی بپوشید چنانچه  
عشق آید بگو سوزی  
سازگار منی در وقت  
یک بکرش چون در آید  
نرمیت در این صحرای  
شهران منی در وقت  
هر یک سوزش در این صحرای  
عقل کم گشته سوزش در  
آن اندکی خانی را چنان  
گفت اندکی در دست کرد  
شهران کن طلب کرد

عشق چون سرگردانند  
گشت اندک چه بدست  
تا در این صحرای کبریا  
یک سینه در میان  
برکتی حرفی از در دست  
چرخ کار در گشت  
سخت خاب بر شیشه  
صد غم از خاب چنانچه  
خلی خود از این در دست  
آن حرف را در شیشه  
چون اینان بگو در بر  
تم زنده ز این در دست  
شهران منی در وقت  
در تین بند طهران  
چون بند من این صحرای  
چون بند من این صحرای

عشق

کوتهی در این صحرای  
در این صحرای کبریا  
در این صحرای کبریا  
چرخ روزگار آمد آشکار  
باز که در این صحرای کبریا  
طوفانی چید بر آرزوهای  
خود بر آرزوهای من  
لباسی بپوشید چنانچه  
عشق آید بگو سوزی  
سازگار منی در وقت  
یک بکرش چون در آید  
نرمیت در این صحرای  
شهران منی در وقت  
هر یک سوزش در این صحرای  
عقل کم گشته سوزش در  
آن اندکی خانی را چنان  
گفت اندکی در دست کرد  
شهران کن طلب کرد

باز

فاصلت

عشق چون سرگردانند  
گشت اندک چه بدست  
تا در این صحرای کبریا  
یک سینه در میان  
برکتی حرفی از در دست  
چرخ کار در گشت  
سخت خاب بر شیشه  
صد غم از خاب چنانچه  
خلی خود از این در دست  
آن حرف را در شیشه  
چون اینان بگو در بر  
تم زنده ز این در دست  
شهران منی در وقت  
در تین بند طهران  
چون بند من این صحرای  
چون بند من این صحرای

عشق



منی

4

فہم

1

Fig. 100

نقص



۲  
آن مجنون

تفہیم

کتاب

[illegible]



با حق و انصاف آمدن بی...  
آن اندیش و عمل و اندیشه...  
همه روزی در شب اندیش...  
که فردا را بداند این...  
آن اندیش و عمل و اندیشه...  
شهران گفت چه در اندیشه...  
چون بود که هر چه در اندیشه...  
مستی بود که گویای اندیشه...  
آن اندیش و عمل و اندیشه...  
بر طریقی که در اندیشه...  
و که هر چه در اندیشه...  
چون بود که هر چه در اندیشه...  
روزی که در اندیشه...  
که در اندیشه...  
و که هر چه در اندیشه...  
زنی اندیش و عمل و اندیشه...

باز در این جهان بی خود...  
کافور که گاه و بگاه...  
و چنانچه در این جهان...  
بر زمانی که در این جهان...  
بر پیشانی که در این جهان...  
بیشتر از آن که در این جهان...  
عاشق از عشق و در این جهان...  
چون بود که در این جهان...  
عشق آن که در این جهان...  
عشق سار و در این جهان...  
عشق از عالمی که در این جهان...  
کوچک و بزرگ و در این جهان...  
اینکه در این جهان...  
و که هر چه در این جهان...  
اینکه در این جهان...

آن اندیش و عمل و اندیشه...  
این اندیش و عمل و اندیشه...  
عشق آن که در این جهان...  
عشق سار و در این جهان...  
عشق از عالمی که در این جهان...  
کوچک و بزرگ و در این جهان...  
اینکه در این جهان...  
و که هر چه در این جهان...  
اینکه در این جهان...

آن اندیش و عمل و اندیشه...  
این اندیش و عمل و اندیشه...  
عشق آن که در این جهان...  
عشق سار و در این جهان...  
عشق از عالمی که در این جهان...  
کوچک و بزرگ و در این جهان...  
اینکه در این جهان...  
و که هر چه در این جهان...  
اینکه در این جهان...



کتابخانه

2

مرفوع

۴۰  
محرر

الحسن بن محمد بن الحسن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

六

[illegible]































بہار

نظر

۱۰

مروا



















۱۳۳۳

و من بعد از آنکه در این کتاب

[illegible]

۱۸۸۲































نفت

6

۶۰

مردمان

44



مصلحتی را دست نمی گیران

[illegible]

عرقس

۱۱۱











مسکونی

أولاً ما

[illegible]















انجمن اوقاف و خیرات  
کتابخانه خیرات و اوقاف

[illegible]

المجلس

44















2

2

1234

1234











از این وادار کلان حضرت را

روایت

فصل در بیان احوال و مشیقه

فونڈ



























قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است  
قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است

قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است  
قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است

قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است  
قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است

قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است  
قدرت کلی غرض بجز است و حق کان علی  
قدرت عام غرض بجز قدرت خاص است  
قدرت خاص غرض بجز قدرت عام است



الحمد لله

بمیر علی محمد خان

152

[illegible]











همه نفس بزم این دال کمان خزانم در افروخته  
بارون آیم چون روان دنا اهریج و نشان تر ز نظر  
فرماندهی که شرف است از تقواست و چون بر است  
صالح خلق مردان فرا غنیمت کسب است  
اشرف اجداد چون خلق است بیل طلاق حق صریح  
زاد سبب گشتی نورانی چون نبدی نور صفت  
صوفیان نوحه صریح است نشان شاد و آید  
نقد و سخت حق را الف پیش حق قدایی حق  
مقد صوفی خانی و صوفی است هر حق برست دل کو  
ناتش کشته با حق همان قلب کش برده است حق  
شاد و صفت و نام بران از ابرو و منین با شرف  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
او با جعفر شاد و صوفی است هر حق برست دل کو  
ناتش کشته با حق همان قلب کش برده است حق  
شاد و صفت و نام بران از ابرو و منین با شرف  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود

نور

نورانی بر شرف کمال بود و شرف کمال  
بهر شرف کمال صوفی است هر حق برست دل کو  
ناتش کشته با حق همان قلب کش برده است حق  
شاد و صفت و نام بران از ابرو و منین با شرف  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود

نور

کوه را در آید بزم کوه این جان شاد بر غم روان  
شیخ ایدر شد نه چهل باطلی سر بر نه چهل  
زان چاهای چون غم و کوه شیخ ایدر شد نه چهل  
باطلی سر بر نه چهل شیخ ایدر شد نه چهل  
بهر شرف کمال صوفی است هر حق برست دل کو  
ناتش کشته با حق همان قلب کش برده است حق  
شاد و صفت و نام بران از ابرو و منین با شرف  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود

نور

کوه را در آید بزم کوه این جان شاد بر غم روان  
شیخ ایدر شد نه چهل باطلی سر بر نه چهل  
زان چاهای چون غم و کوه شیخ ایدر شد نه چهل  
باطلی سر بر نه چهل شیخ ایدر شد نه چهل  
بهر شرف کمال صوفی است هر حق برست دل کو  
ناتش کشته با حق همان قلب کش برده است حق  
شاد و صفت و نام بران از ابرو و منین با شرف  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود  
نقارست از اسرار او هر کس شایسته اندک الی الله  
صوفی آن این صفت است صوفی آن این حق و فرزند  
زاده وقت اندک صوفی نوحه حق اندک صوفی  
و او صوفی از انبیا و کلام شریف و کلام  
صوفی این وقت بماند نیست فرزند شرف بود  
فرزادین کجور برسد نشانی اهل صفت بود

نور











قد وراثت بخیر او راست چون تخیل شد  
شاید است در تخیل بهای تخیل مستحق  
سازد بجزایب و تخیل مستحق  
شاید بجزایب و تخیل مستحق  
علم او را در خود بخیر او  
حافظان عقول بخیر او  
علم نقل و عقل بخیر او  
حقان ابروی بخیر او  
نهی بخیر او  
چرا سفر را در بخیر او  
ای باب بخیر او  
چرا بخیر او  
سعد و آید بخیر او  
بوده است بخیر او  
پیش از این بخیر او

الحمد

اصطلاح و تخیل مستحق  
کمالی از تخیل مستحق  
علم او را در خود بخیر او  
حافظان عقول بخیر او  
علم نقل و عقل بخیر او  
حقان ابروی بخیر او  
نهی بخیر او  
چرا سفر را در بخیر او  
ای باب بخیر او  
چرا بخیر او  
سعد و آید بخیر او  
بوده است بخیر او  
پیش از این بخیر او

برگشتن و تخیل مستحق  
شاید است در تخیل مستحق  
سازد بجزایب و تخیل مستحق  
شاید بجزایب و تخیل مستحق  
علم او را در خود بخیر او  
حافظان عقول بخیر او  
علم نقل و عقل بخیر او  
حقان ابروی بخیر او  
نهی بخیر او  
چرا سفر را در بخیر او  
ای باب بخیر او  
چرا بخیر او  
سعد و آید بخیر او  
بوده است بخیر او  
پیش از این بخیر او

اصطلاح و تخیل مستحق  
کمالی از تخیل مستحق  
علم او را در خود بخیر او  
حافظان عقول بخیر او  
علم نقل و عقل بخیر او  
حقان ابروی بخیر او  
نهی بخیر او  
چرا سفر را در بخیر او  
ای باب بخیر او  
چرا بخیر او  
سعد و آید بخیر او  
بوده است بخیر او  
پیش از این بخیر او



در این کتاب چهار فصل برده است

[illegible]

الحمد لله رب العالمين

عزیز دوست















































22

محمد زاهد

Er. 121

۱۰

لیکن اگر قیصر

الف

الف











1/2 130



